
❖

آشنایی با علوم قرآنی

❖

ویرایش چهارم
مطابق با سرفصل دروس دانشگاهی

تألیف:
دکتر سید محمد رادمنش
استاد دانشگاه تهران

رادمنش، محمد، ۱۳۰۶ =
آشنایی با علوم قرآنی / تألیف محمد رادمنش. - ویرایش ۴. تهران: جامی، ۱۳۹۲
ISBN: 978-964-5620-15-6
۲۵۶ ص.
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۳۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
چاپ چهاردهم: ۱۳۹۲
۱. قرآن - علوم قرآنی. الف. عنوان.
BP۶۹/۵/۲۵
۲۹۷/۱۵
۱۳۷۶
کتابخانه ملی ایران
۷۰۳ - ۷۷ م



خیابان دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن ۶۶۴۰۰۲۲۳

www.Jamipub.com

info@jamipub.com

آشنایی با علوم قرآنی

ویراست چهارم

دکتر سید محمد رادمنش

چاپ چهاردهم: ۱۳۹۲

شمارگان ۱۶۵۰ جلد

چاپ: چاپخانه دیبا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۶۲۰ - ۱۵ - ۶ - ۹
ISBN: 978 - 964 - 5620 - 15 - 6

۹۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	مقدمه مؤلف
۱۱	دبیاچه
	فصل اول
۱۷	مباحثی در کیفیت وحی و چگونگی گردآوری و تدوین قرآن کریم
۱۹	بخش نخست: مباحثی در معنای وحی
۲۷	مشخصات وحی و فرق آن با کشف و الهام
۲۸	مميزات و حالات اهل ریاضت
۳۰	حالات پیامبر در هنگام نزول وحی
۳۱	اوقات نزول وحی
۳۵	چگونگی وحی بر پیامبران و پیامبر اکرم (ص)
۳۶	معنای وحی از نظر مفسران
۳۷	سخن گفتن از ورای حجاب
۳۹	چگونگی نزول وحی بر پیامبر اکرم (ص)
۴۰	بانگ جرس
۴۱	تمثیل به بشر
۴۲	هیأت حقیقی وحی
۴۳	وحی، کارکردی ارتباطی
۴۴	بخش دوم: کاتبان وحی و جمع‌آوری قرآن
۴۷	کاتبان وحی
۴۸	نوشت افزار

۴۹	به حافظه سپردن قرآن در زمان رسول خدا(ص)
۵۱	عوامل سرعت در حفظ قرآن
۵۲	۱ - جمع آوری قرآن در زمان رسول خدا(ص)
۵۵	تدوین علوم قرآن بعد از رحلت پیامبر
۵۸	نام‌های قرآن کریم
۶۷	سوره‌های قرآن
۶۷	حکمت تعیین سوره‌ها
۶۸	نام سوره‌های قرآن
۶۹	شناخت سوره و آیه
۷۰	۱ - اعلام عجز از جانب قرآن به مخالفان
۷۱	۲ - آسان ساختن حفظ و از بر کردن قرآن
۷۱	۳ - ویژگی‌های خاص هر سوره...
۷۶	خواتم سُور
۷۷	نام‌گذاری سُور به اعتبار دیگر
۷۹	آیه‌های قرآن کریم
۸۵	بخش سوم: شأن نزول
۸۵	نمونه‌هایی از شأن نزول آیات
۹۲	فایده و اهمیت اطلاع از شأن نزول آیات
۹۶	تعدد سبب و وحدت نزول
۱۰۱	بخش چهارم: نزول و تنزیل قرآن
۱۰۱	زمان بعثت، معنی انزال قرآن و فرق آن با تنزیل
۱۰۵	دلایل نزول تدریجی
۱۰۷	روایات
۱۰۷	نظر عالمان
۱۰۸	گونه‌های مختلف تدرّج و ترتّب در آیات
۱۱۱	حکمت‌های نزول تدریجی قرآن
۱۱۴	۱ - حکمت‌هایی که به رسول خدا(ص) اختصاص می‌یابد
۱۱۴	۲ - حکمت‌هایی که اختصاص به قرآن دارد
۱۱۶	۳ - حکمت‌هایی که اختصاص به مردم دارد
۱۱۷	حکمت نزول اجمالی

فصل دوم

۱۱۹	مباحثی در اعجاز و فضایل و خواص قرآن کریم
۱۲۱	بخش نخست: اعجاز قرآن کریم
۱۲۵	قرآن معجزه پیامبر خاتم
۱۲۸	معنای لغوی و اصطلاحی اعجاز
۱۲۸	اعجاز به معنای لغوی
۱۲۸	اعجاز به معنای اصطلاحی
۱۳۲	نیاز به معجزه
۱۳۲	۱ - نیاز پیغمبر به معجزه
۱۳۴	۲ - نیاز مردم به معجزه
۱۳۵	قرآن معجزه بزرگ و باقی
۱۳۶	تحدی یا دعوت به نظیرآوری در قرآن
۱۳۶	۱ - موضوع تحدی
۱۳۷	۲ - جهت تحدی
۱۳۹	وجوه مختلف اعجاز قرآن
۱۴۱	جنبه‌های لفظی
۱۴۲	بلاغت و فصاحت قرآن
۱۴۵	نظام قانونگذاری قرآن
۱۴۹	قصص قرآن و اخبار غیبی آن
۱۵۲	نمونه‌هایی از اعجاز و راهنمایی‌های علمی قرآن
۱۵۵	قرآن نمونه برتر هدایت
۱۵۸	بخش دوم: مقام قرآن و ویژگی‌های آن
۱۵۹	فضیلت و برتری‌های آن
۱۶۴	بخش سوم: خواص قرآن
۱۶۴	خواص مربوط به کلیت قرآن

فصل سوم

۱۶۷	مباحثی در نقطه‌گذاری و قاریان سبعة و...
۱۶۹	بخش نخست: نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری

۶ / آشنایی با علوم قرآنی

۱۶۹	اعراب و اعجام
۱۷۰	تاریخ اعراب‌گذاری و نقطه‌گذاری
۱۷۲	تقسیم و تحزیب قرآن
۱۷۴	بخش دوم: علم قرائت (قراءات)
۱۸۰	بخش سوم: قاریان هفتگانه

فصل چهارم

۱۸۵	آشنایی با اصطلاحات و علوم قرآنی
۱۸۷	آیات مکی و مدنی
۱۸۸	فواید تقسیم‌بندی سوره‌ها و آیات مکی و مدنی
۱۹۲	ویژگی‌های آیات مکی
۱۹۴	ویژگی‌های سوره‌ها و آیات مدنی
۱۹۷	محکم و متشابه
۲۰۰	راهنمایی و روش معصومان در باب متشابهات
۲۰۴	معنای تأویل
۲۰۹	راسخان در علم از زبان چند حدیث
۲۱۰	نمونه‌هایی از آیات متشابه
۲۱۲	ناسخ و منسوخ
۲۱۳	مبانی نسخ
۲۱۶	نمونه‌های نسخ قرآن به قرآن
۲۱۶	انواع دیگر نسخ
۲۱۸	تقدیم و تأخیر در قرآن
۲۲۱	وجوه مخاطبات قرآن
۲۲۵	امثال قرآن
۲۳۰	سوگند در قرآن
۲۳۳	عام و خاص
۲۳۶	مجمل و مبین
۲۳۹	مطلق و مقید
۲۴۱	منطوق و مفهوم قرآن
۲۴۶	مشکل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه مؤلف

مجموعه حاضر که تجربه سال‌ها تدریس علوم قرآنی در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران است حاوی مباحثی است مهمّ راجع به شناخت مقام والای کلام الهی و ادراک عظمت این معجزه باقی. سعی و همت این جانب در تهیه و تألیف این کتاب بر آن بوده است که یک سلسله مباحث مربوط به علوم قرآنی را که فهم و تحقیق آنها مورد علاقه فراوان دانشجویان عزیز ماست به ترتیبی صحیح و بیانی روشن و فصیح، با استفاده از منابع معتبر و اصیل به رشته تحریر درآورم. لذا در این کتاب پس از ذکر عباراتی در باب فضائل قرآن و ویژگی‌های آن ابتدا پدیده وحی را که نخستین موضوع و اساس همه موضوعات و مسائل علوم قرآنی است مورد بحث قرار داده‌ام، و نشانه‌های روشن و دقیق وحی را با توجه به سطوح و انواع آن در آیات، و فرق وحی را با جنبه‌های مختلف تفکرات بشری بطور خلاصه شرح نموده‌ام. پس از آن موضوع اعجاز و معنای حقیقی آن، با اشاره به جهات گوناگون اعجاز، و اینکه قرآن چگونه و به چه دلیل معجزه باقی پیامبر خاتم است مورد توجه طالبان قرار گرفته است، و آنگاه شأن نزول آیات که خود جهتی از جهات اعجاز قرآن را آشکار می‌سازد.

از مسائل مهمّ دیگر در علوم قرآنی که دارای ارج و اهمیّت خاصی است موضوع محکّمات و متشابهات قرآن است و نیز موضوع تفسیر و تأویل که راه تحقیق را در این کتاب بزرگ هدایت و فهم حقایق زندگی را برای طالبان حقّ و حقیقت باز می‌کند، و راسخان در علم و پیشوایان

حقیقی جامعه بشری را که عالمان و عاملان واقعی قرآنند به جهانیان معرفی می نماید و از همین طریق است که یک برنامه وسیع و صحیح را که با منطق و علم و اخلاق و شرافت و عزت انسانی همراه است ارائه می دهد.

در بخش دیگری از این کتاب روش جمع آوری قرآن از همان روزهای نخستین وحی مورد بحث قرار گرفته است. به ویژه، از آن جهت که قرآن حاضر در میان مسلمانان جهان همان قرآن وحی الهی است که بدون هیچ تحریف و بی هیچ زیادت و نقصانی از طریق پیامبر عظیم الشان (ص) به دست ما رسیده است و مورد استناد و استشهاد همه امامان و پیشوایان برحق بعد از آن حضرت و دانشمندان اسلامی در قرون متمادی تا به امروز بوده است.

فصل دیگر از این تألیف به بحث در نخستین علوم از علوم قرآنی، یعنی علم تفسیر، از زمان رسول اکرم (ص) به بعد و مختصری از تفاسیر و مفسران مهم در قرون مختلف اسلامی اختصاص یافته است. و نیز بحثی کوتاه را راجع به (وجوه و نظایر در قرآن) آورده ام تا این بحث مقدمه ای بر کتاب دیگری باشد در زمینه نکات ادبی قرآن. ان شاء الله تعالی.

ضمناً یادآوری می شود که در چاپ جدید این کتاب، نظرهای اصلاحی همکاران ارجمند و محققان صاحب اندیشه مورد استفاده قرار گرفته است و مباحث کتاب مطابق سرفصل های مصوب شورای انقلاب فرهنگی می باشد.

در خاتمه از همه آنان که در کار چاپ این کتاب سهمی بسزا از کوشش و زحمت داشته اند، سپاسگزاری می کنم و توفیقات بیشتر آنان را در نشر علوم و فرهنگ اسلامی از پروردگار مهربان خواهانم. و نیز شوق و همت فراوان جوانان و دانشجویان عزیزمان را در راه آشنا شدن به این سرچشمه نور و دانش و سعادت جاوید از باری تعالی مسألت دارم.

دکتر سید محمد رادمنش

دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دباجه کتاب

مباحثی در فضایل و مزایای قرآن کریم

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»^۱.

این کتابی است که بر تو نازل کرده‌ایم تا مردم جهان را از تاریکی‌های جهل و کفر و فساد به سوی روشنایی علم و ایمان و صلح، به فرمان پروردگارشان درآوری، به راه خداوند عزیز و حمید.

«هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»^۲.

این قرآن بیان حقیقتهاست برای عموم مردم، و هدایت و اندرز بزرگی است برای پرهیزکاران.

«وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»^۳.

ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کرده‌ایم که بیانگر کامل و همه جانبه برای هر امری از امور زندگی است، و هدایت کامل، و بشارت و نوید برای تمام مسلمانان.

۱. ابراهیم / ۱

۲. آل عمران / ۱۳۸

۳. نحل / ۸۹

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»^۱.

این قرآن به راه و روشی هدایت می‌کند که مستقیم‌ترین راه‌ها و استوارترین روش‌هاست. و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند بشارت می‌دهد که پاداشی بس بزرگ دارند.

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۲:

این کتابی است پر ارج که ما به سوی تو نازل کردیم. بسیار پر خیر و برکت است تا مردم آیاتش را مورد تدبّر و تفکر قرار دهند، و تا خردمندان را عامل تذکر و توجّه باشد.

قال امير المؤمنين (ع): «قال رسول الله: سَتَكُونُ فِتْنٌ. قُلْتُ: و ما المَخْرُجُ مِنْهَا؟ قال: كتاب الله فيه نَبَأُ ما قَبْلَكُمْ و خَيْرٌ ما بَعْدَكُمْ و حُكْمٌ ما بَيْنَكُمْ. هُوَ الفِصْلُ لَيْسَ بِالهَزلِ. هُوَ الَّذِي مَنْ تَرَكَهُ مِنْ جَبَّارٍ فَصَمَهُ اللهُ و مَنْ ابْتَغَى الهُدَى فِى غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللهُ، فَهُوَ حَبْلُ اللهِ المَتِينُ، و هُوَ الذِّكْرُ الحَكِيمُ، و هُوَ الصِّرَاطُ المُسْتَقِيمُ و هُوَ الَّذِي لا تُزِيغُ بِهِ الأَهْواءُ، و لا تَلْتَمِسُ بِهِ الأَلْسِنَةُ، و لا يَشِيخُ مِنْهُ العُلَمَاءُ...»

مَنْ قَالَ بِهِ صَدَقَ، و مَنْ حَكَمَ بِهِ عَدَلَ، و مَنْ عَمِلَ بِهِ أُجِرَ، و مَنْ دَعَا إِلَيْهِ هَدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۳

از امیرمؤمنان (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمود: فتنه‌هایی در آینده به وقوع خواهد پیوست. گفتیم: راه نجات از آن فتنه‌ها چیست؟ فرمود: کتاب خدا. کتاب خداست که در آن اخبار مهمی از پیشینیان شماست و خبرهای مردم بعد از شما، و حکم و قانون در میان خود شماست. این قرآن همان تفاوت‌گذار بین حق و باطل است. سخن بیهوده نیست. کتابی است که هر ستمگر و زورگویی آنرا ترک نماید خدای قادر متعال پشت او را می‌شکند، و هرکس که هدایت را در غیر آن بخواهد خدا او را در گمراهی رها می‌سازد. زیرا این قرآن همان رشته محکم الهی

۱. اسراء / ۹
 ۲. ص / ۲۹
 ۳. بحارالانوار، ج ۹ و سنن الدارمی، ج ۲، ص ۴۳۵

است و همان عامل بیداری از جانب خدای حکیم و همان راه راست و پایدار است. قانون حکیمانه‌ای است که گرایش‌های مختلف آن را از مقام و جایگاه خود منحرف نمی‌سازد، و زبان‌های گوناگون آن را مُشْتَبِه نمی‌کند و افراد را به راه خطا و اشتباه نمی‌اندازد، و دانشمندان از استفاضه از حقایق آن سیر نمی‌شوند.

این کلامی است که هرکس از آن سخن بگوید راست گفته است، و هرکس به آن حکم کند به عدالت حکم نموده است، هرکس به دستورهای آن عمل کند پاداش می‌یابد، و هرکس که به سوی آن دعوت نماید به راه راست هدایت کرده است).

قال امیرالمؤمنین فی خطبته^۱: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ... ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نَوْرًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ، وَسِرَاجًا لَا يَجْبُو تَوْفُؤُهُ، وَبَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ، وَمِنْهَا جَا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ، وَشُعَاعًا لَا يُظْلِمُ ضَوْؤُهُ، وَفُرْقَانًا لَا يَخْمَدُ بُرْهَانُهُ، وَتَبْيَانًا لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ وَشِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ، وَعِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ وَحَقًّا لَا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ.^۲

امیرمؤمنان (ع) در خطابه خود فرمود: خداوند سبحان برای تبلیغ دین مقدس اسلام پیامبر (ص) را به حقّ مأمور فرمود... آنگاه قرآن را بر او فرو فرستاد، نوری که هیچ گاه مصابیح آن خاموش نمی‌گردد و چراغ پرفروغی که روشنی آن فرو نمی‌نشیند. دریایی که به ژرفای آن نمی‌رسند [گوهرهای معانی آن پایان نمی‌یابد و حقایق آن همواره تازه است، تا روز قیامت]. این کتاب راه و روشی است که هیچ نوع گمراهی در سیر آن برای کسی پدید نمی‌آورد. شعاعی است تابان که روشنی آن به تاریکی نمی‌گراید. جداکننده حق از باطل است که دلیل و برهان آن سُست و ضعیف نیست. بیان و هدایت کامل و استوار آن همچون بنایی است که پایه‌های اخلاقی و عقیدتی را بهبود می‌بخشد، و نیرویی است که یاری‌کنندگان آن شکست نمی‌خورند، و حقّ و حقیقتی است که مددکاران آن مغلوب و بی‌یاور نخواهند بود. [رمز عزّت و پیروزی طرفداران و یاران خود می‌باشد]

۱. خطبه ۱۸۹، بند ۱۶، نهج البلاغه، با تلخیص

۲. نهج البلاغه / علی بن ابی طالب / خطبه ۱۸۹ / بند ۱۶ / با تلمیح

عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَالتَّوْرُ الْمُسِينُ وَالْعِصْمَةُ لِلْمَتَمَسِّكِ. لَا تُخْلِقُهُ كَثْرَةُ
الرَّدِّ وَوُلُوجِ السَّمْعِ. مَنْ قَالَ بِهِ صَدَقَ وَمَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ^۱.

بر شما باد که به کتاب خدا روی آورید که رشته‌ای است محکم و استوار و فروغی است روشن کننده راه. حافظ و حامی کسی است که بدان تمسک جوید. هرچه در آن تحقیق کنید و آن را بخوانند و بشنوند کهنه نمی‌شود. هرکس به منطق آن سخن گوید راست گفته است و هرکس به دستورش عمل کند در راه سعادت سبقت می‌گیرد.

انْتَفِعُوا بِبَيَانِ اللَّهِ وَاتَّعِظُوا بِمَوَاعِظِ اللَّهِ... وَعَلِّمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغْشَى، وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ، وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ. وَمَا جَلَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ: زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمَى. وَعَلِّمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى فَاسْتَشْفَوْهُ مِنْ آدَوَائِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى الْأَوَائِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالتَّفَاقُ، وَالْعَمَى وَالتَّضَلُّلُ فَاسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَتَوَجَّهُوا إِلَيْهِ بِحُبِّهِ... وَعَلِّمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَقَائِلٌ مُصَدَّقٌ^۲.

از کلام خدا بهره بگیرید، و به اندرزهای خدا پند و عبرت بپذیرید... و بدانید که این قرآن پنددهنده خیرخواهی است که انسان را نمی‌فریبد، و راهنمایی است که مردم را به گمراهی نمی‌کشاند. سخنگویی است که دروغ نمی‌گوید. هرکس با این کتاب همنشین شود یا به هدایتش افزوده می‌شود و یا بی‌بصیرتی او کاهش می‌یابد. آگاه باشید که هیچ کس بعد از قرآن و با داشتن قرآن فقر و بیچارگی ندارد و هیچ کس پیش از آن و بدون آن غنا و بی‌نیازی از هدایت نخواهد داشت. بنابراین دردهای خود را به داروی شفا بخش آن درمان کنید، و در دشواری‌ها و مشکلات از آن یاری بجوید. زیرا در قرآن شفای بزرگترین بیماری یعنی کفر و نفاق و ضلالت است. پس آنچه می‌خواهید بوسیله قرآن از خدا بخواهید، و با دوستی قرآن به سوی خدا توجه کنید. بدانید که قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعت آن پذیرفته می‌شود،

۱. خطبه ۱۵۵، بند ۱۰، با تلخیص

۲. از خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه، با اختصار

و گوینده‌ای است که گفتارش تصدیق می‌گردد [هرکس را که قرآن شفاعت کند خدا شفاعت قرآن را درباره او می‌پذیرد و هرکس که قرآن از او شکایت کند ادعای قرآن ضد او مورد تصدیق قرار می‌گیرد]

از جمله می‌توان روایات زیر را از نظر گذراند:

عن ابی عبداللّٰه (ع):

۱ - «يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ.»

شایسته است مؤمن را که از دنیا نرود مگر آنکه قرآن را یاد بگیرد و یا در کارآموختن آن باشد.

۲ - «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ

فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً»

قرآن پیمان خدای خالق است با خلق خود. بنابراین سزاوار آن است که فرد مسلمان در پیمان خویش نظر کند و در هر روز پنجاه آیه را قرائت نماید.

۳ - «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مُنَارُ الْهُدَى وَمَصَابِيحُ الدُّجَى فَلْيَجَلْ جَالٍ بَصَرَهُ وَ يَفْتَحْ لِلضُّبَاءِ

نَظْرَهُ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ»

به حقیقت در این قرآن مشعل پرفروغ هدایت است و چراغ‌هایی که روشن‌کننده راه‌های تاریک است. پس فرد مطالعه‌کننده در این قرآن باید طایر اندیشه خود را در افق عالی آن پرواز درآورد زیرا تفکر و اندیشه کردن در حقایق، حیات قلب بیناست.

۴ - «عَلَيْكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ»

ملزم بدارید خود را بتلاوت قرآن که درجات بهشت بر اساس عدد آیات قرآن است.

بخش نخست

مباحثی در معنای وحی

وحی یکی از مهمترین و بحث‌انگیزترین موضوعات و مباحث قرآن‌پژوهی است که هم‌قدما و هم‌متأخران درباره آن به تفصیل سخن گفته‌اند و نیز جالب‌نظر مستشرقان (خاورشناسان غربی) نیز بوده است. چنانکه در علوم قرآنی هم بطور مستقل مورد تحقیق جدی واقع شده است؛ از آن روی که بنیادی‌ترین ویژگی اصلی‌ترین متن اسلامی است، نتایج بدست آمده از این پژوهش‌ها نیز همواره بسیار مهم بوده‌اند. در اینجا عمده‌ترین مباحث مربوط به اصطلاح «وحی» از نظر می‌گذرد:

«وحی» در لغت، مصدر فعل «أوحى» یا «وحى» به معنای اعلام پنهانی و سخن پوشیده است، وحی در لغت به معنای الهام، طلب، اخبار، امر، اشاره سریع بصورت رمز، اشاره، ایما، رؤیا، تعریض، سماع صوتی نیز وارد شده است، در لسان‌العرب آمده است: به اشاره، کتابت، رساله، الهام، کلام خفی و به آن چیزی که به سوی غیر افکنند، وحی گویند، چنانکه گفته می‌شود: وحی و اوحیت الکلام... وحی به معنای کتاب و مکتوب نیز آمده است... چنانکه حارث گفته است: القرآن هین، والوحی اشد منه، که مرادش از قرآن قرائت و از وحی کتابت است.

در قرآن کریم: «وحی» در قرآن کریم به ده معنا به کار رفته است: (۱) الهام فطری به انسان، این معنا از بیشترین کاربرد واژه وحی در قرآن است. از آن روی که نبی یا فرشته بودن در دریافت این گونه وحی شرط نیست، از معمولترین ارتباط القائی خداوند به بشر نیز محسوب می شود، چنانکه خداوند متعال مادر موسی، حواریان، حضرت یوسف و... را به این وحی مورد خطاب قرار می دهد، درباره حواریان می فرماید: «إِذَا وَحِيَتْ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمَنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنُوا وَاشْهَدُوا بِنَا مُسْلِمُونَ»^۱.

(و چون به حواریان الهام کردم که به من و به رسول من ایمان آورید. گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش به آنکه ما تسلیم شده ایم).

برای آگاهی بیشتر می توان علاوه بر متون علوم قرآنی (مبحث وحی) به تفاسیر جامع البیان / طبری، مجمع البیان / طبرسی، کشاف / زمخشری، المیزان / طباطبایی ذیل آیه پیش گفته و سوره های یوسف / ۱۵، طه / ۳۹، قصص / ۷ رجوع کرد.

(۲) الهام غریزی به حیوان، وحی به این معنی نیز در قرآن کریم کاربرد دارد، چنانکه خداوند متعال می فرماید: «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذْ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ»^۲.

(و پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که از بعضی کوه ها خانه ها بساز و از برخی از درختان و [نیز] از داربست ها خانه برای خود بساز.

چنانکه ملاحظه می شود، در این آیه خداوند متعال از الهام به زنبور عسل با عبارت «أَوْحَى» به وحی کردن تعبیر کرده است.

(۳) درخواست از جماد، در قرآن کریم وحی به معنای درخواست و یا به عبارتی فرمان به جماد نیز بکار برده شده است. چنانکه خداوند متعال می فرماید: «بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا»^۳.

(بنا به دستوری که پروردگارت به (زمین) فرمان داده است).

۱. مائده / ۱۱۱.

۲. نحل / ۶۸.

۳. زلزله / ۵.

مفسران در ذیل این آیات مراد از وحی الهی به زمین را حکم و فرمان او و یا به عبارتی طلبِ خداوندی از زمین به عنوان یکی از آفریده‌های خود تفسیر کرده‌اند، خطاب به جمادات و سخن از عرض امانت به زمین و کوه در متون اسلامی (قرآن و سنت) قابل ملاحظه است.

(۴) إخبار (خبر دادن)، وحی به این معنا نیز در قرآن کریم به کار رفته است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «ذَلِكْ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ»^۱.
(این از خبرهای غیب است که تو را به آن خبر می‌دهیم).

(۵) امر (فرمان)، در قرآن کریم واژه «وحی» به معنای فرمان نیز به کار رفته است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «اذ يوحى ربك إلى الملائكة أُنى معكم، فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا»^۲.

(آنگاه که پروردگارت به فرشتگان فرمان می‌داد که: من با شما هستم پس مؤمنان را استوار بدارید).

(۶) اشاره سریع (تند) همراه با رمز، وحی به این معنا چندین بار در قرآن کریم بکار رفته است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»^۳ (آنگاه که حضرت زکریا از محراب [عبادت] بر قوم خود بیرون آمد، و به آنان اشاره کرد که: صبح و شام تسبیح بگویید و نماز بگذارید).

(۷) وسوسه، یکی از معانی منفی وحی در قرآن کریم که از سوی شیطان و یاران او صورت می‌پذیرد وسوسه است، در این معنا چنین آمده است: «وَكذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا، وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ»^۴.

(و بدینسان برای هر پیامبری دشمنی قرار دادیم که شیطان‌های انس و جن‌اند. برخی از آنان سخن به ظاهر آراسته را برای فریب به برخی دیگر القا

۱. یوسف / ۱۰۲.

۲. انفال / ۱۲.

۳. مریم / ۱۱.

۴. انعام / ۱۱۲.

می‌کنند. و اگر پروردگارت می‌خواست این کار را نمی‌کردند، پس آنان را با دروغپزدانیشان واگذار).

۸) رؤیا، وحی به این معنا چندین بار در قرآن کریم به کار رفته است (← فتح، ۲۷ / شوری، ۵۱ / صافات، ۱۰۲ تا ۱۰۵) چنانکه می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لَبِشْرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ...»^۱ (بشر را نرسد که خداوند با او سخن گوید مگر به وحی یا...).

بسیاری از مفسران وحی را در این آیه به معنای الهام و رؤیا دانسته و رؤیای رسول خدا(ص) را در ورود به مسجدالحرام و نیز رؤیای صادق‌ه حضرت ابراهیم(ع) را از مصادیق آن بشمار آورده‌اند.

۹) تنزیل (نزول تدریجی)، وحی در قرآن کریم در این معنی نیز وارد شده است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ»^۲ (و این چنین [قرآن را به مثابه] روحی از کلام خود به تو وحی کردیم. در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست).

۱۰) قرآن، وحی در واقع یکی از نام‌های قرآن کریم است (← نام‌های قرآن کریم / همین اثر)، چنانکه خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ»^۳.

(بگو: من شما را تنها بوسیله وحی بیم می‌دهم)

موارد پیش گفته معانی مختلف وحی در قرآن کریم است که مفسران و دانشوران علوم قرآنی به آن تصریح کرده‌اند، اما چنانکه ملاحظه می‌شود در پاره‌ای از موارد، برخی از معانی با اندک تکلفی همراه است و شاید دشوار بتوان آن را از معانی اصلی وحی فرض کرد.

در اصطلاح: دانشوران علوم قرآنی تعاریف گوناگونی از وحی را ارائه

داده‌اند، اما از لحاظ ماهیت، تمامی این تعاریف به یکدیگر نزدیک‌کنند. برخی در تعریف وحی گفته‌اند: به دانش و هدایتی گفته می‌شود که خداوند

۳. انبیاء / ۴۵.

۲. شوری / ۵۲.

۱. شوری / ۵۱.

بطور سرّی و پنهانی و برخلاف رسم معمول بشر در زمینه‌های مختلف به بندگان برگزیده‌اش می‌بخشد.

زُهری در تعریف وحی می‌گوید: وحی آن است که خداوند متعال به یکی از پیامبرانش فرو می‌فرستد و قلب او را با آن استوار می‌دارد و پیامبر به بخشی از آن سخن می‌گوید و آن را می‌نویسد و آن کلام الهی است، اما به بخشی از آن سخنی نمی‌گوید و آن را برای کسی نمی‌نویسد و به نوشتن آن فرمان نمی‌دهد، بلکه در قالب حدیث آن را با مردم در میان می‌گذارد و به مردم می‌گوید که خداوند متعال به او فرمان داده است که در میان مردم آن را تبیین کند و آن را به ایشان برساند.^۱

امروزیان تعریفی ملموس‌تر از وحی ارائه می‌دهند و حتّی گذشته از کسانی که می‌کوشند از وحی تصویری زمینی ارائه دهند، کسانی مانند محمد عبده جنبه‌های ذوقی و تجربی وحی را مهمّتر یافته‌اند. محمد عبده در تعریف وحی می‌گوید: «وحی عبارت از شناختی است که فرد با روح و جان خویش آن را احساس می‌کند، قرین این یقین، که آن به واسطه یا بی واسطه، از سوی خداوند است. که وحی با واسطه به صوتی درگوش آن حضرت تمثّل می‌یافت و آن دیگر به غیر صورت آواز حاصل می‌شد».

محمد هادی معرفت در تعریف وحی می‌گوید: «وحی پدیده‌ای است روحانی که در برخی از مردم پدید می‌آید، که با آن به ویژگی‌های روحی ممتاز می‌گردند که آنان را سزاوار اتّصال با ملاّ اعلی می‌گرداند و این مکاشفه در باطن نفس است، و یا با شنیدن که گیرنده وحی احساسی ناگهانی را درمی‌یابد که از خارج وجودش بر او نازل می‌گردد و برخاسته از ضمیر خود او نیست».^۲

۱. هدی الفرقان فی علوم القرآن / غازی عنایت / ج ۱، ص ۵۲.

۲. التمهید، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۲۶.

مسأله وحی و کیفیت آن

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ ۱:

(ای پیامبر، ما به تو وحی کردیم همان‌گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی نمودیم).

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ...

آیا برای مردم عجیب و شگفت‌آور است که ما به فردی از خود آنان وحی نموده‌ایم که مردم را انذار کن و..

مسأله وحی بر پیامبر خاتم(ص) یک پدیده بی‌سابقه و نوظهور نبود تا پذیرش آن برای مردم سنگین و دشوار آید. و پیامبر اسلام هم نخستین شخصی نبود که به نام فرستاده پروردگار عالمیان مردم را به سوی خدای یگانه دعوت می‌کرد و نسبت به حقایق زندگی و عالم آخرت و اخلاق و فضائل انسانی بیدار و آگاه می‌ساخت.

از زمان حضرت نوح(ع) به بعد طی قرون متمادی انسان‌هایی برگزیده و ژرف‌اندیش و راه‌یافتگانی با فضیلت و تقوی پیشه، در میان مردم روی زمین ظاهر شدند که آنچه در باب هدایت و سعادت جامعه خود می‌گفتند از جانب خالق یکتا بود، و میل و اراده فردی آنها به هیچ روی دخالتی در رسالتشان نداشت. پروردگار متعال پیامبر اکرم(ص) را با همان پدیده‌ای مخاطب و مؤید قرار داد که پیامبران گذشته را با آن مورد خطاب و تأیید قرار می‌داد. زیرا هدف این همه خطاب‌ها یکی بود و پدیده وحی نیز در مورد تمام پیام‌آوران الهی شباهت کامل به یکدیگر داشت. خداوند حکیم این حقیقت را در عبارات زیر چنین بیان می‌فرماید:

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَاسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْإِسْحٰقَ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ۲:

۱. (نساء / صدر آیه ۱۶۳)

۲. نساء / ۱۶۳